

دیدگاه‌های انتقادی در مورد مصوبات اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی

نوشته دکتر کاظم معتمدنژاد

مقدمه

برگزاری اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی، به منظور توسعه یک دیدگاه مشترک برای ایجاد یک جامعه سراسر زمینی، از طریق کاربرد تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات و استفاده از امکانات بالقوه این تکنولوژی‌ها برای حل مهمترین و حساس‌ترین مسائل دنیا، طرف توجه قرار گرفته است.

عمده‌ترین مسائل کنونی جهان، آن‌چنان‌که در "اعلامیه هزاره" (مصوب ۸ سپتامبر ۲۰۰۰) به هنگام گردهمایی ویژه سران جهان در مجمع عمومی ملل متحد، به مناسبت فرا رسیدن سومین هزاره پس از میلاد مسیح بر شمرده شده‌اند، مبارزه با گرسنگی و فقر، پیشبرد خدمات بهداشتی، گسترش آموزش و بهبود پایداری محیط زیست را شامل می‌شوند. در این میان در فاصله چند سال اخیر پس از صدور اعلامیه مذکور، تغییرات جدیدی در دنیا پدید آمده‌اند و مخصوصاً اختلافات بین شمال و جنوب، افزایش یافته‌اند و به این ترتیب، با حادث‌تر شدن مسائل مربوط به توسعه کشورهای جهان، این سوال مطرح است که آیا تکنولوژی‌های پیشرفته کشورهای غرب با نظام‌های

اجتماعی و ارزش های خاص آن ها - بازار آزاد، تکنولوژی به مثابه مالکیت معنوی، فرد گرایی و مصرف گرایی - می توانند جنبه جهان فراگیر پیدا کنند یا چنین امری به سهولت امکان پذیر نیست.

برای بررسی بیشتر در این زمینه، ابتدای دو بخش، دیدگاه حقوق بشری مربوط به جامعه اطلاعاتی و ویژگی ها و محدودیت های آن و همچنین دیدگاه انتقادی مبتنی بر تقویت و تحکیم حقوق مدنی به منظور ایجاد یک جامعه معرفتی پایدار، معرفی می شوند و به دنبال آن ها، در بخش های دیگر ایرادها و انتقادها و محدودیت های مربوط به بی توجهی اجلاس عالی ژنو به عدم تحقق تعهدات مالی کشورهای پیشرفته صنعتی برای توسعه کشورهای فقیر، و اعمال محدودیت های جدید آن ها علیه این کشورها، مطرح می گردند.

۱- دیدگاه حقوق بشری جامعه اطلاعاتی

دیدگاه مورد توجه در اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی "راجع به ایجاد جامعه های اطلاعاتی مردم مدار، فراگیر و توسعه محور، بر اساس اصول حقوق بشر استوار شده است و ارزیابی مقبولیت و مشروعیت دولت ها و همچنین وضعیت حقوق و آزادی های شهروندان، بر مبنای این اصول صورت می گیرد.

به همین لحاظ، با در نظر گرفتن آن که "اعلامیه جهانی حقوق بشر"، اهمیت حقوق مدنی و سیاسی را با اهمیت حقوق اجتماعی و اقتصادی در یک سطح قرار داده است و هم سطح بودن این حقوق، در اعلامیه نهایی "کنفرانس جهانی حقوق بشر" (Conference Human Rights Vienna, ۱۹۹۳) در وین (سال ۱۹۹۳)، نیز با تکیه بر همگانی و جهانی بودن، غیر قابل تجزیه بودن، به هم وابسته بودن و هم پیوند بودن تمام آن ها، مورد تاکید واقع شده است، در روند برگزاری و تصمیم گیری "اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی" هم به پیروی از اصول حقوق بشر، توجه ویژه ای مبذول گردیده است و ترتیبی اتخاذ شده است که "اعلامیه اصول" مصوب این اجلاس بر مبنای حقوق بشر تکیه داشته باشد و "برنامه عمل" آن بر پایه استانداردهای حقوق بشر به اجرا در آید. با بیان دیگر بر اساس این دیدگاه، توجه به حیثیت انسانی و حقوق تساوی آمیز تمام انسان ها، نقطه آغاز تحقق هدف های اجلاس مذکور، شناخته می شود و هیچ کدام از مقتضیات و ملاحظات صرفاً تکنولوژیک، نباید به رعایت این حقوق لطمه ای وارد سازد.

چنین دیدگاهی، باید قاعدتا در چارچوب اصول حقوق بشر به مورد عمل گذاشته شود و به

مسئله انطباق وضعیت ملت‌ها و کشورها با استانداردهای حقوق بشر، که در اسناد بین‌المللی مربوط به آن‌ها معرفی شده‌اند، توجه ویژه‌ای معطوف دارد. در میان این استانداردها، می‌توان از آزادی و امنیت انسانی، حمایت وی علیه تبعیض، حق کار و حق برخورداری از استانداردهای زندگی مناسب، همراه با بهداشت و تندرستی، حق مشارکت در اداره کشور، آزادی داشتن عقاید و بیان آن‌ها، آزادی از مداخله خودسرانه در زندگی خصوصی، حق مشارکت آزادانه در زندگی فرهنگی جامعه و حق برخورداری از آموزش پایه به طور مجانی نام برد. استانداردهای یاد شده هنوز در بسیاری از کشورهای جهان تحقق نیافته‌اند و به همین جهت، "اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی" می‌تواند آن‌ها را به عنوان اصول رهنمود برای گذار به جامعه اطلاعاتی آینده به کار گیرد.

اگر کشورهای شرکت‌کننده در این اجلاس عالی، نتوانند ارزش‌های بنیادی راهنمای توسعه جامعه اطلاعاتی را به اجرا بگذارند، بیم آن می‌رود که اسناد حقوقی مصوب آن‌ها، همانند اکثر برنامه‌های گسترش کاربرد تکنولوژی‌های اطلاعات و ارتباطات، تنها بر مبنای ضرورت طرح ریزی درباره توسعه این تکنولوژی‌ها و ایجاد زیرساخت‌های مربوط به آن‌ها مورد استفاده قرار گیرند و دیدگاه مردم مدار جامعه اطلاعاتی که در کانون هدف‌های اجلاس مذکور قرار دارد، رعایت نگردد. به همین سبب، توجه به انطباق استانداردهای حقوق بشر با ضرورت‌ها و مقتضیات حرکت به سوی جامعه اطلاعاتی، جنبه حیاتی دارد و برای نیل به این منظور، باید شرایطی فراهم آیند که تکنولوژی‌های اطلاعات و ارتباطات به عنوان وسایل تحقق حقوق بشر به کار گرفته شوند و هرگاه که تکنولوژی‌های یاد شده، چالش‌های جدیدی در این زمینه، پدید می‌آورند، این چالش‌ها مورد مقابله واقع شوند.

دیدگاه حقوق بشری جامعه اطلاعاتی همچنین ایجاب می‌کند که اصول بنیادی این حقوق، مانند تساوی انسان‌ها و عدم تبعیض درباره آن‌ها، در تمام سطح‌ها در سیاست‌ها و برنامه‌های عمل مربوط به تکنولوژی‌های اطلاعات و ارتباطات، چه ملی و چه بین‌المللی، مورد حراست قرار گیرند. تعهد به رعایت اصل احترام به حیثیت انسانی و عدم تبعیض درباره وی، در چارچوب تصمیم‌گیری‌های اجلاس جهانی سران، باعث می‌شود که به عدم تبعیض، توانمندسازی، خود اتکایی و همگرایی افراد و گروه‌های آسیب‌پذیر و به حاشیه رانده شده، در سطح‌های، منطقه‌ای و جهانی، توجه بیشتر و گسترده‌تری مبذول گردد.

با چنین رویکردی می‌توان امکانات تقویت و تحکیم استانداردهای حقوق بشر، مانند توسعه انسانی و اجتماعی، دموکراسی و مشارکت عمومی در امور مملکتی را فراهم آورد و آن‌ها را در هدف‌گذاری‌ها و ارزیابی‌های پیشرفت و گسترش جامعه اطلاعاتی، به عنوان نقاط اصلی و کانونی مورد نظر، به کار گرفت. در حالی که اقدام‌های طرف توجه "برنامه عمل" اجلاس جهانی ژنو برای رسیدن به چنین جامعه‌ای بیشتر بر زیرساخت‌های تکنولوژیک تمرکز یافته‌اند و به زمینه‌های توسعه انسانی (تقویت بهداشت، آموزش، امید زندگی و همبستگی)، توسعه اجتماعی و فرهنگی (افزایش فرصت‌های اقتصادی و اشتغال و گوناگونی فرهنگی و زبانی) و دموکراسی (توسعه آزادی بیان، دسترسی به اطلاعات، کثرت‌گرایی رسانه‌ها، شفافیت امور مملکتی، مشارکت در تصمیم‌گیری و توانمندسازی محلی)، کمتر پرداخته شده است.

بر این نکته نیز باید تاکید گذاشت که برای نیل به نتایج عملی دیدگاه حقوق بشری جامعه اطلاعاتی، به ایجاد محیط مساعد مقررات‌گذاری در جهت احترام به این حقوق، هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی نیز نیاز مبرم وجود دارد. با بیان روشن‌تر، ضرورت انطباق مقررات‌گذاری‌های راجع به تکنولوژی‌های اطلاعات و ارتباطات با استانداردهای حقوق بشر، باید صریحا مورد تاکید قرار گیرد.

دیدگاه حقوق بشری جامعه اطلاعاتی، علاوه بر آن که اهمیت چارچوب استانداردهای بنیادی این جامعه را مشخص می‌سازد، چالش‌های ویژه‌ای نیز از جهت انطباق آن‌ها با چنین جامعه‌ای، پدید می‌آورد. به طوری که در فرایند جامعه اطلاعاتی، برخی از اصول و حقوق مهم انسانی، مانند اصل عدم تبعیض، حق توسعه، حق آزادی بیان، حق ارتباط، حق حریم زندگی خصوصی و حق مشارکت آزاد در زندگی فرهنگی جامعه، با تضاد و تعارض روبرو می‌شوند.

الف. اصل عدم تبعیض

"اعلامیه حقوق بشر"، بر اصل تساوی حقوق افراد و عدم تبعیض درباره آن‌ها - که در منشور ملل متحد پیش‌بینی گردیده است - تاکید گذاشته و تقویت و توسعه آن را خواستار شده است. این اصل، در سند‌های حقوقی بین‌المللی بعدی سازمان ملل متحد، مانند "عهدنامه رفع تبعیض نژادی" و "عهدنامه رفع تبعیض بر ضد زنان" هم تاکید گردیده است. اما در سند‌های حقوقی مصوب اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی، اصل مذکور به عنوان یک اصل رهنمود دیدگاه‌های فکری

ویرانه های عملی آن در سطح بین المللی و همچنین در سطح ملی مورد تاکید واقع نشده است. در حالی که جامعه اطلاعاتی برای فراگیر شدن آن، باید گروه های به حاشیه رانده شده، مانند اشخاص مسن، افراد معلول، مردم بومی، پناهندگان، اقلیت ها یا افراد بسیار فقیر را حمایت کند و به توانمند سازی آنان کمک نماید. به همین گونه، تبعیض علیه زنان نیز باید مورد مقابله قرار گیرد و برای تامین برابری جنسیتی در تمام حوزه های فعالیت های جامعه، اقدام شود.

ب. حق توسعه

اعلامیه نهایی کنفرانس جهانی حقوق بشر^{۱۹۹۳}، که به "اعلامیه وین" مشهور شده است، "حق توسعه" (The Right to Development) را به صورت مورد پیش بینی در متن "اعلامیه مربوط به حق توسعه" (مصوب نوامبر ۱۹۸۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد) به عنوان یک بخش مکمل حقوق بشر، مورد تاکید قرار داده است. در اعلامیه مذکور خاطر نشان گردیده است که افراد انسانی، قلمرو محوری و زمینه اصلی توسعه هستند و در این باره نسل های آینده باید در کانون توجه جهانیان قرار داشته باشند. اعلامیه یاد شده، مخصوصاً تاکید کرده است که در حالی که توسعه به عنوان دست آویزی برخورداری افراد از تمام حقوق انسانی را تسهیل می کند. عدم توسعه نباید برای توجیه محدود سازی حقوق بشر مطرح گردد. "اعلامیه مربوط به حق توسعه" همچنین بر این واقعیت تکیه نموده است که تحقق رویه پیشرفت حق توسعه، مستلزم آن است که در این باره سیاست گذاری توسعه ای موثر در سطح ملی صورت گیرد و نیز محیط اقتصادی مساعد آن در سطح بین المللی فراهم شود.

لازم به یادآوری است که تاکید بر "حق توسعه"، که در سندهای مصوب سومین گردهمایی کمیته تدارک نخستین مرحله برگزاری "اجلاس جهانی سران دربارہ جامعه اطلاعاتی" (سپتامبر ۲۰۰۳) طرف توجه واقع شده بود، در متن های نهایی "اعلامیه اصول" و "برنامه عمل" مصوب این اجلاس جهانی (۱۰ تا ۱۲ دسامبر ۲۰۰۳)، انعکاس نیافت و در آن ها، به طور شگفت انگیز، تنها بر اهمیت پیوستگی سیاست های توسعه ای و توسعه جامعه اطلاعاتی تاکید گذاشته شد.

پ. حق آزادی بیان و حق ارتباط

تردید نیست که وسایل ارتباطی نوین، از لوازم اصلی جامعه اطلاعاتی به شمار می روند و با

توسعه دموکراتیک، شفافیت امور مملکتی و مشارکت عمومی، پیوند بسیار نزدیک دارند. اینترنت نه تنها برای آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات، امکانات جدید و واقعیت های تازه ای پدید می آورد بلکه در برابر آن ها، طرق جدیدی هم برای محدود سازی آزادی، ایجاد می کند. در عین حال، اسناد نهایی نخستین مرحله "اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی"، در این زمینه خواست سیاسی کشورها برای پشتیبانی و پیشرفت آزادی بیان از طریق اینترنت و از جمله دسترسی به اطلاعات همگانی را به روشنی مشخص می سازند و این امر از اهمیت خاصی برخوردار است. اما این که دولت ها چه گونه تعهد خود به تامین آزادی اینترنت را ابراز می دارند و درباره آن به ماده ۱۹ "اعلامیه جهانی حقوق بشر" راجع به آزادی عقیده و بیان و اطلاعات استناد می کنند، قابل بررسی و ارزیابی است.

باید دانست که یکی از مباحثه های مهم مربوط به آزادی اینترنت، که در جریان تدارک نخستین مرحله "اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی" پدیدار شد، راجع به "حق ارتباط" بود. "حق ارتباط"، در صورتی که از دیدگاه حقوق بشری به آن نگریسته شود، نمی توان آن را به عنوان حقی تازه و مستقل معرفی کرد. بلکه باید آن را به منزله یک واژه فراگیر، که دسته ای از حق های موجود زیر چتر آن هستند، مورد توجه قرار داد. از این لحاظ، حق آزادی بیان که در ماده ۱۹ یاد شده مورد تاکید واقع شده است، یک عنصر مثبت در بر دارد و دولت ها را متعهد می سازد تا برای تضمین رعایت احترام آن، اقدامات لازم را به عمل آورند. دادگاه ها هم در این باره تجربه های خوبی داشته اند و رویه های قضایی مناسبی در جهت طرفداری از تعهد دولت ها به تضمین آزادی مذکور ایجاد کرده اند. به همین جهت، اکنون برای تعریف دقیق تر "حق ارتباط"، که نه تنها آزادی بیان، بلکه حق احترام به زندگی خصوصی، آزادی رفت و آمد و آزادی تجمعات را هم در بر می گیرد، شرایط مساعدی فراهم شده اند.

عنصر کلیدی مثبت حق آزادی بیان و شالوده حیاتی "حق ارتباط"، تعهد دولت ها به ایجاد محیط مناسب برای رسانه های متنوع و مستقل است، محیطی که بتواند حق همگان به دریافت اطلاعات از منابع مختلف را تامین کند.

ت- اهمیت ویژه حق ارتباط در جامعه اطلاعاتی

تاکید ویژه "اعلامیه اصول" مصوب نخستین "اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی" (۱۰ تا ۱۲ دسامبر ۲۰۰۳)، بر جایگاه برجسته ارتباطات در زندگی اجتماعی انسان و نقش کانونی آن

در جامعه اطلاعاتی، به خودی خود، نشانگر آن است که اجلاس مذکور، به طور غیر مستقیم "حق ارتباط" را به عنوان یکی از حقوق مهم انسانی، طرف توجه قرار داده است. در مقدمه این اعلامیه گفته شده است که "... ارتباطات، یک فرایند بنیادی اجتماعی، یک نیاز اساسی انسانی، شالوده تمام سازماندهی های اجتماعی و عنصر مرکزی جامعه اطلاعاتی است..." و چنین شیوه بیانی معرف آن است که مسائل مربوط به تامین نیاز ارتباطی یا حق ارتباط افراد در جامعه اطلاعاتی، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است.

جایگاه برجسته و اهمیت ویژه "حق ارتباط" در جامعه اطلاعاتی، ایجاب می کند که به تامین منابع مالی ضروری برای تحقق این حق، با در نظر گرفتن نکات زیر توجه بیشتری مبذول گردد:

۱. تامین حق ارتباط و ساختار سازی ارتباطی مورد نیاز آن رانمی توان با تکیه بر توانایی مالی افراد به تحقق رسانند. زیرا در نظام بازار، تمام فعالیت ها و اقدام های خدمت رسانی، بر قدرت پرداخت افراد استوارند و ساختارهای راهبری امور عمومی و از جمله سازمان های مسئول امور ارتباطات موظفند منابع مالی خدمات ارتباطی همگانی و مخصوصا حداقل منابع مالی تامین حق ارتباط را که بخش خصوصی به آن کمک نمی کند، فراهم سازند. بنابراین، دولت ها ناگزیرند محیطی ایجاد کنند که به نیازهای ارتباطی ضروری برای فرایند توسعه جامعه در تمام ابعاد آن، پاسخ مثبت بدهد. به این ترتیب، ایجاد محیط مساعد برای جلب سرمایه گذاری خصوصی در زمینه فعالیت های ارتباطی، اگر هم بتواند از لحاظ توسعه فعالیت های اقتصادی مفید و موثر واقع شود، نباید به عنوان یک هدف اصلی طرف توجه قرار گیرد زیرا چنین محیطی نمی تواند تمام نیازهای مربوط به ارتباطات جامعه را تامین کند. به همین جهت، بسیاری از صاحب نظران انتقادنگر علوم ارتباطات، معتقدند که مرکزیت شیوه اداره عمومی امور ارتباطات با هدف تامین منافع همگانی، باید بار دیگر به صورت الگوی مطلوب پذیرفته شود. در این صورت، ممکن است توزیع محدود منافع قابل ملاحظه ای که بخش خصوصی از فعالیت های ارتباطی در سال های اخیر بدست آورده است نیز به منظور تامین نیازهای ارتباطی جماعت های فقیر، ضرورت پیدا کند.

۲. ساختارهای تامین مالی نیازهای ارتباطی، مخصوصا در مواردی که هدف آن ها پاسخگویی به نیازهای توسعه ای جماعت های فقیر جامعه باشد، باید بر مبنای نیازهای خاص آن ها، ایجاد شوند. در این باره، به ویژه می توان مالکیت جماعتی زیر ساخت های شبکه ای یا مالکیت سازمان های محلی بر این زیرساخت ها را طرف توجه قرارداد و با مالکیت شرکت های بزرگ خصوصی که در

صدد تسلط بر این گونه شبکه ها هستند، به مقابله پرداخت. نمونه های فراوانی از شبکه های ارتباطی دارای مالکیت جماعتی در سال های اخیر در ایالات متحده آمریکا (فعالیت ۱۰۰۰ تعاونی ارتباطی روستایی در سال ۲۰۰۴)، لهستان، آرژانتین، پرو و هند، تاسیس شده اند که تجربه های آن ها می توانند مورد استفاده کشورهای دیگر قرار گیرند. در این زمینه مخصوصاً توجه بیش از پیش به تاسیس فرستنده های رادیویی و تلویزیونی جماعتی و محلی که به توانمندی ارتباطی مخاطبان کمک فراوان می کنند و شرکت های بزرگ تجارتي خصوصی هم پیوسته برای کنترل آن ها تلاش دارند، بسیار ضروری است

ث. حق حریم خصوصی

در جامعه اطلاعاتی، حق احترام به زندگی خصوصی افراد، به سبب تغییرات عمده ای که با کاربرد ارتباطات مستقیم اینترنتی در شیوه ها و زمینه های گردآوری، ذخیره سازی و بازپردازی داده ها پدید می آیند، مورد چالش قرار می گیرد. به همین سبب، دولت ها باید کوشش کنند تا تمام مقررات گذاری های ملی و بین المللی مربوط به ارتباطات اینترنتی، با مقتضیات احترام به حق مذکور، انطباق داشته باشند.

در جریان برگزاری نخستین مرحله "اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی"، مباحثه های راجع به امنیت تکنولوژی های اطلاعات و ارتباطات، تحت تاثیر شرایط و وقت، بیشتر جنبه سیاسی پیدا کردند و با نوعی طرز بیان امنیتی و نظامی و تاکید بر ضرورت مقابله با تهدیدهای تروریسم همراه شدند. به گونه ای که آخرین پیش نویس "اعلامیه اصول" مورد عرضه به اجلاس عالی مذکور، درباره امنیت اینترنت، چند موضوع مورد اختلاف در بر داشت و متن مصوب این اعلامیه هم بیش از آن که به استانداردهای حمایت حریم خصوصی بپردازد، بر موضوع های مربوط به امنیت ملی کشورها، تمرکز پیدا کرد.

ج - حقوق فرهنگی

ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر "بین حقوق مولفان و حقوق تمام مردم برای مشارکت در زندگی فرهنگی و برخورداری از هنرها و سهمیم شدن در پیشرفت علوم و استفاده از ثمرات آن ها، نوعی تعادل پیش بینی کرده است. اما به رغم این پیش بینی، در جریان برگزاری نخستین "اجلاس



جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی"، در مورد ایجاد تعادل بین حقوق مالکیت معنوی (که بسیاری از انتقادنگرها ترجیح می دهند آن ها را به عنوان حقوق اختراعات، حقوق مولفان و حقوق علامات تجارتي معرفی کنند) و دسترسی آزاد همگان به اطلاعات و معرفت ها، تضاد شدیدی پدید آمد. به طوری که در اسناد مصوب این اجلاس، تنها بر اجرای قراردادهای موجود راجع به حقوق مالکیت معنوی (دو قرارداد مصوب ۱۹۹۶) که مورد اعتراض کشورهای در حال توسعه قرار گرفته اند، تاکید گذاشته شده است و به ضرورت توافق های جدید برای پیشبرد دسترسی آزاد به اطلاعات و معرفت ها، توجه نگریده است. چنین وضعیتی، با در نظر گرفتن آن که دسترسی به اطلاعات و معرفت ها، هسته اصلی جامعه اطلاعاتی را تشکیل می دهد، بسیار تعارض آمیز و غامض به نظر می رسد. (۱)

۲- دیدگاه مبتنی بر حقوق مدنی برای جامعه معرفتی پایدار

بسیاری از صاحب نظران انتقاد نگر مطالعات ارتباطی و روشنفکران وابسته به گروه های فعال جامعه مدنی در کشورهای غربی و سایر کشورهای دنیا، از دیدگاه مبتنی بر جهانی سازی تکنولوژی های نوین اطلاعات و ارتباطات، که دیدگاه مسلط کنونی در جهت هدف قرار دادن این تکنولوژی ها و کم توجهی به وسیله شناختن آن ها برای توسعه انسانی و اجتماعی در تمام کشورها به شمار می رود، ایراد می گیرند و به آن اعتراض می کنند. آن ها معتقدند که از امکانات تکنولوژی های مذکور باید برای کاربرد اطلاعات به منظور ایجاد جامعه های نوین دارای چهره انسانی و بر اساس اولویت توسعه، بهره برداری کرد.

به عقیده انتقادنگرها، ترکیب فن آوری و دانایی (معرفت یا دانش) در راه پیشرفت جوامع کنونی، باید با توجه به واقعیت های موجود و برای شکل دهی یک دیدگاه مشترک راجع به "جامعه معرفتی پایدار"، بر اساس اصول زیر صورت گیرد:

۱- معرفت میراث بشریت است و در مالکیت بشریت قرار دارد. با بیان دیگر، معرفت یکی از "اموال مشترک" (The Common Good) انسان ها به شمار می رود و باید تحت شرایط منصفانه، در دسترس همگان باشد و با مساعی خاص برای نسل های آینده مورد حراست واقع شود.

۲- خصوصی سازی و تجارتي سازی معرفت های عمومی، باید ممنوع گردد و به اشتراک گذاشتن آن ها به عنوان وسایل تحقق توسعه پایدار و ایجاد نوآوری اجتماعی، گسترش آفرینندگی مردمی

و تقویت اطلاعات عرصه عمومی در سراسر جهان، مورد تشویق و ترغیب قرار گیرد.

۳- امکانات مشارکت تمام مردم و به ویژه زنان و افراد به حاشیه رانده شده، در امور عمومی و استفاده آنان از امکانات ارتباطی خود خواسته و آزاد و برخورداری آن‌ها از حق مطلع شدن از طریق تمام منابع عمومی و رسانه‌های مستقل و بدون هر گونه مداخله، دستکاری یا کنترل، باید تقویت شوند.

۴- شرایط برخورداری برابرانه همه افراد برای دسترسی به آموزش و همچنین دسترسی همگانی به تمام رسانه‌ها و فن‌آوری‌های اطلاعات و ارتباطات، که یک زندگی خودمختار و مبتنی بر تعهد مسئولیت در زمینه‌های حقوق بشر، زندگی در دموکراسی و توسعه پایدار را امکان‌پذیر می‌سازند، باید فراهم گردند.

انتقادانديشان معتقدند که دولت‌های شرکت‌کننده در "اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی"، از توجه ضروری به مسائل اساسی و پذیرش پیشنهادهاى راه‌حل جویانه مربوط به آن‌ها خودداری کرده‌اند و این مسائل را به صورت حاشیه‌ای در آورده‌اند. به گونه‌ای، که در شرایط کنونی تدارک دومین مرحله اجلاس مذکور، آمادگی توافق راجع به مذاکره در مورد اقدامات ضروری برای ترمیم "شکاف دیجیتال" را دارا نیستند و حتی آمادگی ندارند درباره حقوق و ارزش‌هایی که در سال‌های قبل از سوی جامعه بین‌المللی در عهدنامه‌ها و اعلامیه‌های مختلف، مورد حمایت قرار گرفته‌اند، به توافق برسند. بنابراین، هر گونه توقع و انتظار برای آن که این اجلاس عالی بخواهد یا بتواند یک دیدگاه جهانی درباره ایجاد یک جامعه مردم محور، فراگیر و پایدار را گسترش دهد، غیرعادی و اغراق‌آمیز به نظر می‌رسد و در چنین شرایطی باید کوشش شود تا دیدگاه تناسب‌آمیزی راجع به هدف‌های "اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی"، مورد توجه قرار گیرد.

دیدگاه مبتنی بر اندیشه ایجاد "یک جامعه معرفت پایدار" (A, Sustainable Knowledge Society) که در سال‌های اخیر از طرف سازمان‌های غیر دولتی وابسته به جامعه مدنی در کشورهای غربی، عرضه شده است، در این زمینه جالب توجه است.

بر اساس "منشور حقوق مدنی برای یک جامعه معرفتی پایدار" (Sustainable Knowledge Society) (The Charter of Civil Right for a)، که به ویژه سازمان‌های جامعه مدنی آلمان از آن حمایت می‌کنند، تاسیس چنین جامعه‌ای باید با ترکیب حقوق و ارزش‌های بنیادی چندگانه زیر و در جهت تحقق

یک جامعه مردم مدار - جامعه‌ای که خواست‌ها و نیازهای مردم را انعکاس می‌دهد - صورت گیرد.

در منشور مذکور، راجع به اصل دسترسی آزاد به معرفت‌ها، چنین گفته شده است: "...دانایی باید همیشه برای همگان قابل دسترسی باشد، زیرا یکی از اموال مشترک انسان‌هاست و در سلسله مراتب ارزش‌های اجتماعی، بیش از حمایت خواست‌های خصوصی، اهمیت دارد..."

منشور یاد شده، در مورد اهمیت دانایی در جوامع انسانی، بر نکات زیر تاکید خاص گذاشته است:

"...دسترسی به معرفت‌ها، باید برای نسل‌های کنونی و همچنین برای نسل‌های آینده، برای همه خلق‌ها، در هر زمان و در هر جا و تحت هر گونه شرایطی، امکان‌پذیر باشد. اصل دسترسی آزاد به معرفت‌ها و اطلاعات، یک حق انسانی جهانی برای برخورداری از یک جامعه اطلاعاتی است و تمام حق‌های دیگر از این حق ناشی می‌شوند..."

در پی نکات فوق، در متن "منشور حقوق مدنی برای یک جامعه معرفتی"، حقوق ناشی از حق دسترسی آزاد به معرفت‌ها، به ترتیب زیر معرفی شده‌اند:

- ۱- حق برخورداری از حریم خصوصی در کاربرد معرفت‌ها و اطلاعات
- ۲- حق شهروندان به کسب اطلاعات از طریق منابع قابل دسترسی همگانی، حق دسترسی بدون مانع و محدودیت و بدون صافی‌گذاری به اسناد سازمان‌های عمومی.
- ۳- حق حمایت از حیثیت انسانی در محیط‌های کار، بر مبنای توجه به ضرورت تدارک دسترسی به نظام‌های اطلاعات و ارتباطات سازمان‌ها برای تمام کارکنان.
- ۴- حق و وظیفه حراست و اعتدالی گوناگونی فرهنگ‌ها و زبان‌ها به منزله پیش‌طرح توسعه فردی و اجتماعی نسل‌های کنونی و نسل‌های آینده.

۵- حق آزادی ارتباطات، به مثابه حق مشارکت در تمام انواع روندهای ارتباطی

۶- حق برخورداری از توسعه آزاد و باز نرم‌افزارها و ارتباطات خود خواسته و خودگزین

منشور مذکور، پس از تاکید بر اهمیت حقوق چندگانه اخیر، درباره نتایج عملی ناشی از کاربرد آن‌ها، چنین خاطر نشان کرده است:

- آن چه بیش از هر چیز مورد نیاز به نظر می‌رسد، اصلاح چارچوب نظام رسانه‌ای است. با بیان دیگر، رسانه‌های خدمت عمومی و مراکز دسترسی همگانی مورد کنترل از سوی نهادهای دموکراتیک، می‌توانند نقش مهمی هم در کشورهای در حال توسعه و هم در کشورهای توسعه یافته، ایفا کنند.

- به شکل‌های نوین تعاونی و الگوهای نوین سازماندهی، برای تولید، توزیع و کاربرد معرفت‌ها و اطلاعات در تمام حوزه‌ها و از جمله در سازمان‌های اداری، هنرها و سرگرمی‌ها، نیاز فراوان وجود دارد. در این زمینه نیز دسترسی باز، یک اصل راهنمای اساسی به شمار می‌رود.

در پایان "منشور حقوق مدنی برای یک جامعه معرفتی پایدار"، تأکید شده است که ترمیم "شکاف دیجیتال"، باید بیش از هر چیز مورد توجه قرار گیرد و به عنوان یک هدف سیاسی دارای بالاترین اولویت، به آن نگریسته شود. زیرا، تازمانی که تبعیض در مورد اکثریت مردم جهان ادامه داشته باشد، نه آزادی اطلاعات و نه آزادی به طور کلی، هیچ کدام وجود نخواهند داشت. با بیان دیگر، جامعه اطلاعاتی در صورتی که قسمت قابل ملاحظه‌ای از جمعیت جهان کنونی و آینده را از مزایای تکنولوژی‌های اطلاعات و ارتباطات محروم سازد، نمی‌تواند جنبه پایدار داشته باشد. (۲)

۳- بی توجهی به عدم تحقق تعهدات مالی کشورهای بزرگ

و اعمال محدودیت‌های جدید علیه کشورهای در حال توسعه در "اعلامیه اصول" و "برنامه عمل" مصوب نخستین مرحله "اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی"، با وجود توجه خاص به بررسی مکانیسم‌های مالی کمک به توسعه خدمات تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات در کشورهای فقیر، عدم تحقق تعهدات مالی قبلی کشورهای بزرگ صنعتی برای کمک به کشورهای جنوب، به فراموشی سپرده شده است و علاوه بر آن، علیه اقدام ایالات متحده آمریکا به کنار گذاشتن "نظام محاسباتی بین‌المللی نرخ‌های ارتباطات دور"، که موجب قطع نوعی کمک مالی غیر مستقیم کشورهای پیشرفته به کشورهای توسعه یافته گردیده است، انتقاد و اعتراضی صورت نگرفته است.

الف- عدم تحقق تعهدات مالی کشورهای پیشرفته

در سند نهایی کنفرانس سازمان ملل متحد درباره چگونگی کمک‌های کشورهای پیشرفته

صنعتی به کشورهای در حال توسعه، که در مارس ۲۰۰۲ در شهر "مونتری" مکزیک برگزار شد و به توافق اجماعی مونتری ("The Monterrey Consensus") معروف است، برای تدارک کمک‌های مورد نظر، شش محور اساسی طرف توجه قرار گرفته بودند:

۱- آماده سازی سریع منابع ملی

۲- سرمایه گذاری مستقیم خارجی

۳- تجارت بین المللی

۴- کمک عمومی به توسعه

۵- تجدید نظر ساختاری در بدهی های کشورهای فقیر

۶- هماهنگ سازی مناسب تر نهادهای اقتصادی و مالی بین المللی

اما در جریان مذاکره ها و تبادل نظر هایی که در سال ۲۰۰۳ برای تدارک نخستین مرحله اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی صورت می گرفتند، کشورهای غربی و به ویژه اتحادیه اروپایی و ایالات متحده آمریکا، تنها از ضرورت توجه سه محور اول، شامل آماده سازی سریع منابع ملی، "سرمایه گذاری مستقیم خارجی" و "تجارت بین المللی"، دفاع می کردند. آن ها تاکید داشتند که گشوده سازی و آزاد سازی بازارها و ایجاد چارچوب نظام دهی شفاف و مبتنی بر عدم تبعیض، عناصر کلیدی دیدگاه خوش بینانه درباره سرمایه گذاری مستقیم خارجی و برنامه های مشترک بخش های عمومی و خصوصی به شمار می روند و می توان از ترکیب آن ها به منزله فرمول جادویی مقابله با "شکاف دیجیتال" بهره گرفت. این گفتمان خاص راجع به تامین کمک های مورد نیاز کشورهای در حال توسعه، معرف یک موضع بدون انعطاف بودن و مشخص می ساخت که کشورهای بزرگ صنعتی به تعهدات بین المللی قبلی خود، پایبند نیستند.

در آخرین پیش نویس "اعلامیه اصول" اجلاس جهانی ژنو هم که در سومین گردهمایی کمیته تدارکاتی آن در سپتامبر ۲۰۰۳ مورد تایید قرار گرفت و به همان صورت در ۱۲ دسامبر ۲۰۰۳ به تصویب نهایی رسید، تمام تذکرها و اشاره های مربوط به حدود کاربرد الگوی آزادی گرای توسعه و خطرات ناشی از آن، از متن مورد بررسی حذف گردیدند در این زمینه، مخصوصا در بند الف بخش چهارم متن پیش نویس اعلامیه، که به گردهمایی اخیر کمیته تدارکاتی ارائه شده بود، خاطر نشان گردیده بود: "... اگر تکنولوژی های اطلاعات و ارتباطات کاملا تحت نفوذ قدرت بازار قرار گیرند، نابرابری های اجتماعی کنونی در داخل کشورها بیشتر خواهند شد و شکاف موجود بین

کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه، عمیق تر خواهد گردید.

در مورد کمک های عمومی به توسعه نیز کشورهای اتحادیه اروپایی و ایالات متحده آمریکا و همچنین سویس، در آخرین مرحله تدوین پیش نویس نهایی "اعلامیه اصول" اجلاس عالی ژنو، تلاش داشتند تا از اشاره به هر گونه هدف مشخص و صریح و ذکر هر نوع رقم دقیق مربوط به کمک های مالی در متن این اعلامیه خودداری شود. به عبارت دیگر، آنها می خواستند از هر گونه یادآوری درباره تعهد قبلی کشورهای غربی به پرداخت هفت دهم درصد تولید ناخالص ملی سالانه آنها برای کمک به کشورهای در حال توسعه، که در سال های پس از برگزاری "اجلاس جهانی سران درباره زمین" (ریودوژائیر و ۳ تا ۱۴ ژوئن ۱۹۹۲) و اقدام آن به تصویب یک برنامه وسیع برای جهان قرن بیست و یکم بر اساس پیشبرد توسعه پایدار، مورد تاکید رهبران کشورهای پیشرفته بوده است، جلوگیری کنند.

راجع به موافقت کشورهای صنعتی برای عدم پرداخت یا کاهش بدهی های سنگین کشورهای در حال توسعه نیز شیوه مشابهی اعمال می شد و در حالی که انصراف از دریافت و یا قبول کاهش میزان بدهی های مذکور برای کشورهای فقیر از اهمیت حیاتی برخوردار است، نمایندگان بسیاری از کشورهای ثروتمند صنعتی، با هر گونه ارجاع و اشاره ای به مساله بدهی ها در متن "اعلامیه اصول"، مخالفت می کردند. به این گونه، می توان گفت که برگزاری "اجلاس جهانی سران درباره؟ جامع؟ اطلاعاتی" در مقایسه با اجلاس های جهانی قبلی ملل متحد و توافق های بین المللی مربوط به تامین مالی کمک های ضروری کشورهای در حال توسعه، گامی به عقب بود. (۳)

ب- اقدام به عدم اجرای "نظام محاسباتی بین المللی نرخ های ارتباطات دور"

از سال های آخر دهه ۱۹۹۰، تحت تاثیر سیاست های خصوصی سازی ارتباطات دور و شیوه های کالایی سازی این ارتباطات از سوی "سازمان جهانی تجارت" (WTO - The World Trade Organisation) و اقدام یک جانبه دولت ایالات متحده آمریکا به رها کردن "نظام محاسباتی بین المللی نرخ های ارتباطات دور" (the International Telecommunication Accounting Rates Regime) کشورهای در حال توسعه برای اجرای برنامه های ارتباطی خود، با محدودیت های جدیدی روبرو شده اند.

باید در نظر داشت که در دهه های اخیر، با اجرای نظام محاسباتی مذکور، مبالغ ناشی از بهای مکالمات تلفنی بین المللی کشورها، به طور مساوی (۵۰ درصد - ۵۰ درصد)، بین سازمان ها و شرکت های مخابراتی کشور مبدأ پیام های تلفنی و سازمان ها و شرکت های مخابراتی کشور مقصد

این پیام‌ها، تقسیم می‌شدند و چون در عمل تعداد تلفن‌های کشورهای توسعه یافته به کشورهای در حال توسعه، از تعداد تلفن‌های متقابل کشورهای اخیر بیشتر بود، سهم پنجاه درصد متعلق به کشورهای در حال توسعه برای آن‌ها نوعی کمک مالی تامین می‌کرد که می‌توانستند با استفاده از آن، شبکه‌های ارتباطی داخلی و به ویژه شبکه‌های تلفنی روستایی خود را گسترش دهند. به طوری که در دهه ۱۹۹۰، کشورهای جنوب سالانه به طور متوسط بین ۵ تا ۱۰ میلیارد دلار از محل مبالغ دریافتی بابت پنجاه درصد بهای مکملات تلفنی بین‌المللی، نوعی کمک به دست می‌آمدند.

از اوایل دهه ۱۹۹۰، به سبب پیشبرد سیاست‌های جهانی ایالات متحده آمریکا برای حمایت از روند خصوصی سازی ارتباطات دور در تمام کشورهای جهان و تصمیمات جدید "صندوق بین‌المللی پول" و "بانک جهانی"، برای مشروط ساختن پرداخت کمک‌های مالی مورد تقاضای کشورهای در حال توسعه، به تجدید ساختار دولتی و خصوصی سازی ارتباطات دور این کشورها، محدودیت‌های اقتصادی کشورهای جنوب افزایش یافتند. در کنار این سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، از اواسط دهه ۱۹۹۰، مذكور با تاسیس "سازمان جهانی تجارت"، بر شدت و وسعت محدودیت‌ها افزوده شد، به طوری که در سال ۱۹۹۵، با به اجرا گذاشته شدن قرارداد جهانی "موافقت‌نامه عمومی در مورد خدمات تجاری" (GATS - The General Agreement on Trade Services)، تعدادی از کشورها به قبول تعهد برای ایجاد بازار آزاد در مورد خدمات ارتباطی پرداختند و پس از آن، به دنبال فعل و انفعالات جهانی فراوانی که با حمایت آمریکا و از طریق "صندوق بین‌المللی پول" و "بانک جهانی" صورت گرفتند، سرانجام در فوری ۱۹۹۷، "موافقت‌نامه" مربوط به ارتباطات دور پایه " (The Agreement on Basic Telecommunications)، از سوی ۷۳ کشور، که در حدود ۹۰ درصد اعتبارات مالی بازار جهانی را در اختیار داشتند، به امضا رسید. بر اساس این موافقت‌نامه، که در چارچوب سندی موسوم به "پروتکل چهارم" (The Protocol IV) به "موافقت‌نامه عمومی در مورد تجارت خدمات" الحاق یافت، کشورهای امضاکننده، تعهدات جدیدی در زمین ارتباطات دور پایه، پذیرفتند.

باید خاطر نشان ساخت که اخبار مذاکرات راجع به این موافقت‌نامه در بسیاری از کشورهای ملحق شده به آن‌ها انتشار نیافتند و این مذاکرات بدون شفافیت ضروری و هرگونه مباحثه عمومی درباره موضوع و ماهیت آن‌ها، صورت گرفتند. به موازات تدارک "پروتکل چهارم" و برای تکمیل آن، مذاکرات دیگری هم انجام شدند که به تهیه و تدوین یک "سند مرجع" (The reference Paper)

، برای ارائه دقیق تعاریف و اصول مورد نظر "سازمان جهانی تجارت" در مورد مقررات گذاری های مربوط به تجارت خدمات ارتباطی در سطح ملی کشورها، منتهی گردیدند. در سند اخیر، به ویژه به ایجاد مکانیسم های مراقبت از رقابت آزاد، قواعد اتصالات ارتباطی متقابل، الزامات تامین خدمات ارتباطی عمومی، تعهدات راجع به شفافیت فعالیت ها و تاسیس نهاد مستقل نظام دهی ارتباطات، توجه فراوانی معطوف شده است. (۴)

پ- "سازمان جهانی تجارت" و محدود سازی حاکمیت ملی کشورها در زمینه ارتباطات به این گونه، در طول دو دهه گذشته، طرز سازماندهی بخش ارتباطات دور، به کلی دگرگون گردیده است و از حالت اداره انحصاری تمام امور آن به وسیله مقامات دولتی و در جهت تامین خدمات عمومی ارتباطی، به حالت اداره رقابت آمیز این ارتباطات از سوی بخش خصوصی و تامین منافع موسسات بازرگانی متصدی عملیات ارتباطی و دست یابی به سهم هر چه بیشتر در بازار آزاد ارتباطات، تغییر پیدا کرده است. در شرایط کنونی، اصول و قواعد حاکم بر اداره ارتباطات دور که پیش از این به وسیله دولت ها وضع می شدند و منحصر از طریق دولت ها به اجرا در می آمدند از سوی یک سازمان بین المللی، موسوم به "سازمان جهانی تجارت" تدارک می یابند و تحت نظارت این سازمان به وسیله موسسات خصوصی، اجرا می گردند.

پروفسور "سس هاملینک" (Cees J. Hamelink)، استاد هلندی معروف علوم ارتباطات، در این باره، چنین نوشته است :

"... برای مدت یک قرن، نظام بین المللی راهبری ارتباطات، بیشتر در خدمت هماهنگ سازی سیاست های ملی کشورها، که به وسیله دولت های دارای حاکمیت تهیه و تدوین می گردیدند، به کار گرفته می شدند. اما اکنون، نظام راهبری جهانی ارتباطات، تعیین کننده فضای تحت اختیار دولت های ملی، برای مشخص کردن سیاست های ملی آن ها شده است..." (۵)

در سال های اخیر، اجرای مقررات موافقتنامه های "سازمان جهانی تجارت" در مورد خدمات ارتباطات دور، حق اعمال حاکمیت ملی کشورها در زمینه ارتباطات را محدود کرده است. یکی از نمونه های مهم آن، شکایتی است که در آوریل ۲۰۰۲ از سوی ایالات متحد آمریکا علیه دولت مکزیک به "سازمان جهانی تجارت" ارجاع شد. در این شکایت، شرکت ارتباطات دور مکزیک "۱" مورد اعتراض قرار گرفته بود که مقررات مصوب "سازمان جهانی تجارت" را رعایت نکرده است و برای امکانات تلفنی بین ایالات متحده آمریکا و مکزیک، از کمپانی های ارتباطات دور آمریکایی،

بدون توجه به رقابت آزاد کمپانی‌های ارتباطی و در نظر گرفتن نرخ‌های کمتر مبتنی بر این رقابت نرخ‌های گرانی مطالبه کرده است. در صورتی که دولت مکزیک، با استناد به قوانین موجود خود، که بر مبنای نظام قبلی انحصار دولتی ارتباطات دور استوار مانده بود، حق داشت با تعیین بهای بیشتر برای مکالمات تلفنی بین‌المللی، منابع مالی ضروری برای توسعه شبکه‌های ارتباطی داخلی خود را تامین کند. اما دولت آمریکا ادعا داشت که اقدام دولت مکزیک در ایجاد تبعیض علیه شرکت‌های خارجی متصدی ارتباطات دور، با مقررات بین‌المللی جدید سازمان جهانی تجارت^{۲۰} در این زمینه، که بر اساس منطق تجارت و رقابت آزاد، پایه‌گذاری شده‌اند، مغایرت دارد.

بنابراین، در مورد حق حاکمیت ملی دولت‌ها در زمینه ارتباطات دور هم مانند موضوع نظام محاسباتی بین‌المللی نرخ‌های این ارتباطات، بر اثر اعمال موافقتنامه‌های "سازمان جهانی تجارت"، محدودیت مالی دیگری علیه کشورهای در حال توسعه، پدید آمد. به همین لحاظ، می‌توان گفت که با اجرای سیاست‌های کشورهای بزرگ سرمایه‌داری، جهت وارد ساختن خدمات ارتباطات دور به چارچوب نظام تجارتی جهانی، به نقش خاص "اتحادیه بین‌المللی ارتباطات دور" برای پیشبرد هماهنگ‌سازی سیاست‌های ارتباطی کشورها و شیوه‌های توسعه بخشی آن‌ها، لطمه وارد شده است. به گونه‌ای که در چند سال اخیر، کوشش‌های این اتحادیه برای بازگشت به نظام محاسباتی بین‌المللی مذکور، بی‌نتیجه مانده است، چنین به نظر می‌رسد که احیای این نظام در شرایط کنونی جهان غیر ممکن باشد.

به طور کلی، در نخستین سال‌های قرن بیست و یکم، همراه با کنار گذاشته شدن نظام محاسباتی بین‌المللی نرخ‌های ارتباطات دور، نیرومند شدن قدرت عملی "سازمان جهانی تجارت" و همچنین ظهور شیوه جدید تامین "منابع مالی دسترسی همگانی به ارتباطات دور" (Universal Access Funds) (The)، که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، به سبب عدم مشارکت مالی کمپانی‌های ارتباطی خصوصی، بیشتر با اتکا به امکانات مالی داخلی، روبرو به توسعه گذاشته است و عملاً باعث متمایز شناخته شدن خدمات ارتباطی از تامین کنندگان آن‌ها شده است الگوی راهبری ارتباطات دور دگرگونی کلی پیدا کرده است. بر اثر این دگرگونی، منطق تجارت بر ارتباطات دور حاکم شده است، نقش دولت به عنوان عامل پشتیبان این ارتباطات، کاهش یافته است و در نتیجه آن‌ها، مفهوم تامین منافع عمومی نیز تغییر کرده است. دگرگونی یاد شده، در بخش‌های مشابه مانند امور پستی هم به تحقق پیوسته است. تاجایی که در این بخش‌ها تامین منافع مالی از تامین خدمات همگانی

تفکیک گردیده است. به عبارت دیگر آن زمان که در یک سازمان یا شرکت ارتباطی، خدمات پیر منفعت تر، امکان تامین فعالیت های کم درآمد تر را فراهم می کردند، سپری شده است □ (۶)

منابع:

- 1- Jorgensen, Rikke Frank. "A human Rights Perspective on the World Summit on the Information Society : The Human Rights Framework". In Vision in Process: world Summit on the Information Society – Geneva. 2003, Tunisia 2005. Berlin: Henrich Boll Foundation ,2003, PP 9-14
- 2- Kuhlen ,Rainer. "The Charter of Civil Rights for a Sustainable Knowledge Society: A Vision with Practical Consequences". In Vision in Process: World Summit on the Information Society – Geneva 2003, Tunisia 2005 . Berlin: Heinrich Boll Foundation 2003,pp,7,8
- 3- Chantal Peyer "on the Question of Financing at the World Summit on the Information society in visions in process pp.24-30
- 4- Joelle Carron and Michel Egger. Telecommunications Regulation: From the Omnipotent State to the Market Model in Chantal peyer et al (eds). Who Pays for the Information Society. pp .25-34
- 5- Cees J Hamelink "la Société Globale de l'Information: Visions. Peuples et Pouvoirs" . Annuaire Suisse de Politique du Developpement, 2002,P.173
- 6- Joelle Carron and Michel Egger. "Telecommunications Regulation: From the Omnipotent State to the Market Model. Ibid. pp.28-3